

منابع طبیعی افغانستان توسط امپریالیست ها و نوکران دست نشانده آنها به تاراج می رود.

یکی از اهدافی که امپریالیست ها برای دست یافتن به آن تلاش میورزند، دست رسی به منابع طبیعی کشور ماست. امپریالیست ها و در راس آنها امریکا تا حال چندین آزمایش و سروی بصورت مخفی و نیمه مخفی برای شناسایی معادن افغانستان انجام داده است. یکی ازین آزمایشات در سال ۱۳۸۴ بود که توسط زمین شناسی اداره فضایی امریکا (ناسا) انجام شد. کارشناسان ناسا، تحقیقات ژئوفیزیکی هوایی شان را تا سیصد هزار کیلومتر در فضای افغانستان اجرا کردند. با وجودیکه ولایات بدخشان، نورستان، ارزگان بدلیل نا امن بودنش شامل این بررسی قرار نداشت، تنها هزینه این بررسی، سی و چهار میلیون دلار امریکایی اختصاص داده شده بود.

نتیجه این بررسی را که خود امریکایی ها اعلام کردند، منطقه کتواز در شرق افغانستان و هرات، در غرب، دارای منابع زیر زمینی نفت است و هلمند، در جنوب، منابع زیرزمینی نفت و گاز دارد. تنها طبق این بررسی ایکه امریکایی ها فاش ساخته اند، منابع زیر زمینی نفت در شمال افغانستان، دوازده تا پانزده برابر و منابع گاز، پنج تا شش برابر بیشتر از برآوردهای قبلی بوده است. همچنان ذخایر زیرزمینی از جمله معادن ذغال سنگ، حدود بیست برابر بیشتر از مقداری است که پیش از این تخمین زده می شد.

وزارت معادن دولت دست نشانده اعلام کرده است که بنا بر بررسی های انجام شده از سوی وزارت معادن، ذخیره آهن معدن «حاجی گک» بالغ به دو میلیارد تن می رسد. با این وجود بگفته وزارت معادن دولت پوشالی، فقط پنج درصد از مواد معدنی و ده درصد از منابع نفت و گاز خود آگاهی دارد.

یکی از فریب و ترفند های دولت دست نشانده به مردم افغانستان این است که میگوید آزمایشات امریکایی ها از منابع طبیعی افغانستان برای این است که دولت افغانستان دقیقاً بدانند چه ذخایری و در کجای مناطق افغانستان قرار دارد!!

یقیناً ارقامی که امریکایی ها برای ذخایر طبیعی کشور ما ارایه میدهند، به هیچ وجه میزان دقیق ذخایر طبیعی در افغانستان نمی باشد. آنها حد امکان تلاش می نمایند تا ذخیره منابع

طبیعی کشور ما را مخفی نگهدارند. چنانچه در گذشته روس ها به چنین شیوه ای از مخفی کاری در باره ذخیره منابع طبیعی ها توسل میجستند.

راز این مخفی کاری و اسرار در این است که هم امریکایی ها و هم روسها کوشیده اند و میکوشند رقیب را به حرص و آز کمتری وادارد تا لجام احتمال کش و مکش های شکارچیان طعمه در افغانستان را مهار بتوانند. بهیمن دلیل ارقامی را که از منابع طبیعی افغانستان ارایه میدهند، بیشتر برای انعقاد قرار داد های ناعالانه و چپاولگرانه است تا سروی و بررسی دقیق و صحیح. بطور مثال سروی معدن آهن حاجی گگ را به این دلیل انجام داده است تا بگفته وزیر معادن دولت دست نشانده، پروژه استخراج معدن آهن "حاجی گگ" با پنج معدن دیگر شامل معدن گاز شبرغان، نفت سرپل و سمند و ذغال سنگ ولایت هرات به شرکت های خارجی، به مزایده گذاشته خواهد شد.

علاوه بر اینکه این معادن بصورت قرار داد های نا عادلانه، در خدمت کمپنی های خارجی لیلان میگردد، خیلی از ذخایر طبیعی افغانستان توسط قومانیهای رهن محلی مورد دست برد قرار گرفته است. بطور مثال سنگ کرومیت لوگر توسط لاری ها بصورت قاچاق از افغانستان خارج گردیده و بفروش میرسد. پوشش یا بهانه حمل سنگ کرومیک از لوگر این است که آنها در حین اكمال و بهره برداری از معدن مس عینک درین ولایت هستند. زیرا معدن مس عینک، توسط دولت دست نشانده بصورت رسمی در اختیار شرکت های چپاولگر قرار گرفته است.

ثمره هشت سال دولت دست نشانده تنها این بوده است که در هر منطقه ای که استخراج و خرید و فروش غیرقانونی سنگ ها و مواد معدنی قیمتی در افغانستان ادامه دارد، دولت فقط یک قوماندان رهن را در آنجا مستقر ساخته است تا امنیت دزدان و چپاول گران را بگیرد.

خریداران این سنگ های قیمتی، کمپنی های خارجی هستند و آنها ادعا دارند که برای تولید و استخراج، فی صدی معینی به دولت افغانستان میپردازند. بدیهی است که اولاً انعقاد این قرار دادها توسط یک دولت مزدور و دست نشانده صورت میگیرد. دولتی که استقلال سیاسی و اقتصادی نداشته باشد، مشخص است که میزان این قرار داد ها تا چه حد نا عادلانه و چپاولگرانه است. به این ترتیب فی صدی معینی که به دولت داده می شود، اگر از باقی مانده رشوه و فساد اداری هم بگذرد، مستقیماً به جیب مقامات بلند رتبه و پائین رتبه سرازیر میگردد که ازین میان چیزی نصیب مردم افغانستان نخواهد شد.

خریداران سنگ های قیمتی که همان کمپنی های خارجی در افغانستان هستند، تلاش دارند تا فروش این اشیا را از قوماندانهای خود سر محلی گرفته دولت بعنوان دلال تحویل این کمپانی ها نماید. بهمین دلیل در ولایات بدخشان، پنجشیر، نورستان، لغمان، پکتیا، پکتیکا، لوگر و غیره میان قاچاقبران غیر دولتی و دلالان و اجنت دولت دست نشانده بر سر تسلط بر این معادن تضاد و کش مکش هایی ادامه دارد.

وزیر معادن دولت مزدور گفته است که تا حال توانسته است ۹۹ درصد ذغال سنگ و در حدود ۷۰ درصد سنگ مرمر را در دست گیرد که درین میان تیل و گاز را به صورت مطلق زیر کنترل دارد. به این ترتیب تسلط و کنترل مطلق دولت مزدور بر منابع ذخیره طبیعی کشور ما، قبل از اینکه نفعی برای مردم افغانستان داشته باشد، زمینه ساز پهن کردن بستر دزدی و چپاول سرمایه خارجی در افغانستان است.

علاوه بر این، امپریالیست ها بعضی از کوه ها و تپه هایی را بنام منطقه نظامی حصار بندی نموده و تا چندین کیلو متر به اطرف آن سیم خار دار کشیده است. یکی از این مناطق کوهی در «جنده» بنام تپه «راه دار» است که از چند سال بلدوزر های امرکایی شبانه مشغول کار درین معدن است. آنها این تپه را بنام منطقه نظامی اعلام کرده و تحت این بهانه کار استخراج ذخیره طبیعی ازین تپه را به پیش می برند.

بدون شک یکی از اهداف امرکایی ها و انگلیس ها این است تا به بهانه های مختلفی افغانستان را سالها در جنگ و نا امنی در گیر کنند تا آنها بتوانند تحت پوشش منطقه نظامی، کوه های معادن افغانستان را غار غار کرده و دارایی مردم ما را به یغما ببرند. زیرا منطقه نظامی پوشش خوبی برای چپاولگری آنهاست.

در جاهایی که امنیت هم است، اشغالگران به بهانه های مختلفی به آنجا هجوم برده و بزعم خودشان تروریست ها را دنبال میکنند. یکی ازین مناطق امن جاغوری است که انگلیس ها چندین بار به دهات و قصبات آنجا رفته و گنج هایی که در جنگ اخیر شان با افغانستان، بجا گذاشته بودند، دوباره اشغال کرده اند.

انگلیس ها که افغانستان شکست فاحشی خورده بودند، در موقع ترک شان از افغانستان گنج هایی که بر اثر دزدی و چپاول بدست آورده بودند، نتوانستند همه را با خود ببرند. بناً آنها با استفاده از روان شناسی مذهبی مردم ما، این گنج ها را در مناطق مختلف دفن کردند و برای اینکه ازین گنج ها حفاظت شود، محل گور کردن گنج ها را بنام زیارت و مزار فلان سید نشانی کردند. به این ترتیب نه تنها ازین گنج ها حفاظت گردید بلکه سالها مردم ما بنام زیارت درین گور ها زرینه و لوازم عتیقه رجوع میکردند و از آنها شفا و حاجت می طلبیدند.

یکی از نمونه این زیارت ها، در «گلکو قره باغ» اتفاق افتاده است. اهالی قره باغ میگویند سالها ازین زیارت بعنوان مرقد یک شخص مقدس استفاده کرده است. روزی آنها شاهد حضور نیروهای نظامی اشغالگر بوده است که این نیرو ها ادعا داشته اند که برای تعقیب تروریست های طالب در آنجا آمده است. یکی از اهالی قریه گلکو میگوید که نیروهای اشغالگر یک شبی در آنجا سپری کردند و فردا صبح زود محل را ترک گفتند. بعد از ترک آنها مردم محل دید که از زیارت فقط یک مشت خاک و شودیاری باقی مانده است.

گرچه اینگونه حرکت های امرکایی ها و انگلیس ها برای مردم محل قابل تعجب بنوده است. زیرا آنها قبلاً در چندین منطقه جاغوری نیز این کار را کرده بودند. یکی از دوستی که بتازگی از آن منطقه آمده است میگوید، مردم محل حتی رابطه انگلیس ها و امرکایی ها را با طالبان خوب درک میکند. حتی آنها طالبان را تشخیص میدهد که جز ای از طالب انگلیسی است یا طالب امریکایی یا طالب ملا عمر. طالب انگلیسی و طالب امریکایی جز ای از طالبان هستند که زد و بند های مخفی با نیروهای اشغالگر دارند؛ اما طالب ملا عمر؛ طالبی است که رابطه زد و بند با انگلیس ها و امریکایی ها ندارد.

به این صورت نتیجه می گیریم که کُل پروپاگند ها و ترفند های امپریالیست ها که مجهز به ساز و برگ های نظامی هستند؛ بر سر این است که چگونه بتوانند منابع طبیعی کشور ما را چه بشکل قانونی و انعقاد قرار داد های نا علانه و چه بشکل دزدی و چپاولگری به یغما ببرند. بدون شک تازمانیکه چنگال های خونین سرمایه داران جهانی واجنت ها و پیش بلد های بومی شان از کشور ما قطع نشود، منابع طبیعی ما برای مردم افغانستان جز

ریختن خون فرزانش، هیچ محصولی نخواهد داشت. تنها با استقرار یک دولت ملی مردمی است که منابع طبیعی میهن ما در خدمت رفاه و آسایش ملت افغانستان در خواهد آمد.